



بارگاه نورانی ثامن الحجج(ع) کانون توسعه معنویت

مدیران شبکه‌های مختلف سیما جمعه ۲۸ شهریور با محمدمهدی برادران مدیر عالی حرم مطهر رضوی دیدار کردند. این دیدار با موضوع هماهنگی برنامه‌های تلویزیونی ویژه اربعین حسینی و دهه پایانی ماه صفر در سازمان مرکزی آستان قدس رضوی برگزار شد. مهدی برادران در این مراسم گفت: بر این باوریم که بارگاه مطهر و نورانی حضرت رضا(ع) محور و کانون گسترش معنویت در جهان است و بر همین اساس مطالعات و برنامه‌ریزی‌های مختلفی برای ترویج و تعالی فرهنگ و سیره رضوی در دستور کار قرار گرفته است. او خاطر نشان کرد: ابعاد وجودی حضرت رضا(ع) چنان گسترده و متنوع است که متأسفانه تا کنون کمتر به آن پرداخته شده است و بسیاری از مردم هنوز شناخت کامل و جامعی از سیره و ویژگی‌های درخشان رفتاری این امام همام ندارند. نقش رسانه‌ها در رفع این نقص و آگاهی‌بخشی عمومی در این باره بسیار تأثیرگذار است. مدیر عالی حرم مطهر رضوی در تشریح برنامه‌های آستان قدس رضوی اولویت نخست را خدمت‌رسانی به زائران برشمرد و گفت: بسیاری از مراسم و برنامه‌هایی که به مناسبت‌های مختلف در حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود با برنامه‌ریزی تخصصی و دقیق قابلیت رسانه‌ای شدن دارند. برادران با درخواست هماهنگی حداکثری حوزه‌ها و بخش‌های مختلف با رسانه، یادآور شد: برگزاری نخستین دوره جشنواره رسانه‌ای امام رضا(ع)، هم‌زمان با ایام دهه پایانی ماه صفر، گامی برای توسعه وقف و نذر رسانه‌ای است و این جشنواره می‌تواند گامی مؤثر برای تولید آثار فاخر در قالب‌های مختلف و متنوع باشد. او با بیان اینکه حرم مطهر در فعالیت‌های خود رویکردهای جدی تمدن‌سازی، بیابیه‌گام دوم انقلاب و... را در نظر دارد تأکید کرد: حرم مطهر در صورت فراهم شدن شرایط لازم و هماهنگی‌های مورد نیاز برای حفظ اهداف اصلی این آستان، آماده همکاری با رسانه‌هاست. مدیر عالی حرم در ادامه به اقدامات ویژه آستان قدس رضوی در ایام کرونا در حرم مطهر رضوی اشاره کرد و گفت: در این ایام با رعایت کامل شیوه‌نامه‌های بهداشتی؛ بیش از ۱۰ میلیون ماسک بین زائران و مجاوران توزیع شد. برادران همچنین به بیش از ۵۰۰ مورد اقدام اصلاحی در محدوده روضه منوره حرم مطهر اشاره کرد و گفت: در ایام تعطیلی حرم، ما به صورت شبانه‌روزی مشغول فعالیت‌هایی همچون استحکام ضریح، اصلاح و بازسازی کتیبه‌های روضه منوره و رواق‌ها، اصلاح آیینه کاری‌ها و رنگ‌بخش‌های مختلف اماکن متبر که، بازسازی راهنماها، نوسازی سنگ‌فرش‌ها در بخش‌های فرسوده، اصلاح نور و... بوده‌ایم.

نشست بررسی کتاب «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» برگزار شد

شاهنامه به روایت جغرافیا

افخمی

«فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» نوشته مهدی سیدی فرخ، یکی از آثار تازه منتشر شده در بازار نشر است. در این کتاب تمام اعلام جغرافیایی مندرج در شاهنامه با شرح و توضیح کامل معرفی شده است. سیدی همچنین در اثر جدیدش به بیان دگرگونی‌ها و تغییراتی که تا به امروز در نام مواضع جغرافیایی رخ داده پرداخته‌است. نشست اخیر جمعه‌های پردیس کتاب که با توجه به شیوع کرونا به صورت آنلاین برگزار شد به بررسی کتاب «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» اختصاص داشت. در این نشست سلمان ساکت، رئیس مرکز آثار مفاخر و استاد دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان دبیر جلسه و مهدی سیدی فرخ، نویسنده کتاب به معرفی این اثر پرداختند.

- اولین اثر در زمینه جغرافیای شاهنامه

به گفته سلمان ساکت در حوزه نام‌های جغرافیایی تا به امروز به‌جز چندین مقاله و یاداشت، کار منسجم و قابل اعتنایی انجام نشده بود و کتاب سیدی اولین اثر در نوع خود محسوب می‌شود. او همچنین خاطر‌نشان کرد: این کتاب تنها برای علاقه‌مندان شاهنامه سودمند نیست بلکه برای هرکسی که دل در گرو فرهنگ ایران زمین دارد و به متون ادبی و تاریخی سده‌های مختلف اسلامی علاقه دارد می‌تواند مفید باشد. چون تک تک نام‌های جغرافیایی که در آثار دیگر هم دیده می‌شود به صورت الفبایی در این کتاب مرتب شده است.

- کاری میدانی و تحقیقاتی

در ادامه این نشست مهدی سیدی به معرفی اثر خود پرداخت. او با اشاره به اینکه تدوین و تحریر این اثر را از سال ۹۰ شروع کرده است گفت: در حوزه‌های مختلف شاهنامه پژوهش‌های زیادی انجام شده اما در بحث جغرافیای آن کاری صورت نگرفته بود و این آرزوی من بود که این پژوهش را انجام دهم. سیدی همچنین بیان کرد: من می‌خواستم به صورت میدانی مکان‌هایی که در شاهنامه بود را پیدا و به خواننده معرفی کنم. همچنین در مرحله بعد نقشه عرصه جغرافیایی که داستان‌ها در آن رقم خورده است را ارائه دهم. به گفته او از میان ۳۶۰ نامی که در شاهنامه آمده برخی مانند سمرقند و بخارا معروف هستند اما شاید یک چهارم آن‌ها نام‌های بحث‌برانگیزی باشند که اسمشان عوض شده و یا ویران شده‌اند. این نویسنده خاطر نشان کرد: خیلی‌ها به من می‌گفتند جغرافیای شاهنامه جدی نیست و اسطوره‌ای و حماسی است. این افراد از یک نظر حرفشان درست است و از یک نظر هم نه. ما در شاهنامه چند اسم اساطیری داریم مثل بهشت کنگ افراسیاب اما حداقل بین ۴۰ تا ۵۰ نام در جنگ بزرگ کیخسرو داریم که حدود ۴۵ مورد از آن‌ها واقعی است. سیدی همچنین یادآور شد: من از ۳۶۰ نامی که در کتاب آمده فهرستی تهیه کرده‌ام و در اول کتاب قرار داده‌ام تا خواننده با یک نگاه همه اسامی را ببیند. به دلیل سنت فرهنگ‌نویسی آن را حذف کرده‌ام اما نقشه در کتاب موجود است و می‌توان با یک نگاه به آن، اسامی مختلف را دید.

شهریار

روزنامه شهرامید وزندگی

اشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۷ ۷ آذرماه ۱۳۹۷ شماره ۳۲۰۶

۱۴



فرهنگ و هنر

موسیقی جاری زمان

آهنگساز «خران»، «بیداد» و «تمنا» سابقه همکاری با محمدرضا شجریان، هوشنگ ابتهاج، شهرام ناظری و محمدرضا لطفی را داشت. این موسیقی‌دان، استاد دانشگاه و پژوهشگر و نوازنده سنتور مقدمات موسیقی را از شش سالگی نزد پدرش، حسن مشکاتیان، که استاد سنتورنوازی و آشنا با ویولن و سه‌تار بود، آموخت. در سال ۱۳۵۳ وارد دانشکدهٔ هنرهای زیبا در دانشگاه تهران شد و به آموختن ردیف میرزا عبدالله نزد نور علی‌خان برومند و ردیف موسیقی سنتی نزد داریوش صفوت پرداخت. او نوازندگی سنتور را در مرکز

حفظ و اشاعه موسیقی ادامه داد و توانست در نوازندگی این ساز به مهارت چشمگیری دست پیدا کند. مشکاتیان از سال ۱۳۵۶، همکاری با رادیسو را زیر نظر هوشنگ ابتهاج آغاز کرد. ولی پس از واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ از رادیو استعفاء و مؤسسه چاووش را تشکیل داد که بخش مهمی از فعالیت‌هایش در این کانون گذشته است. حسین علیزاده در گفت‌وویی با نشریه «تجربه» که در آبان ۹۴ منتشر شده‌است، درباره یار دیرین خود می‌گوید: «مشکاتیان در خانه‌ای بزرگ شده بود که پر از سازهای مختلف بود و موسیقی در خانواده جریان

داشت. ذهنیت موسیقایی‌اش هم در همان بستر شکل می‌گرفت. کسی که کاملاً دوران طفولیتش در این فضا بگذراند، موسیقی برایش حالت ژنی پیدا می‌کند. برای مشکاتیان خلق کردن اصلاً کار سختی نبود. چون به حفظ ریتم و شناخت فواصل موسیقی ایرانی احاطه کامل داشت. او سازش را خیلی خوب کوک می‌کرد. کوک گروه همیشه متکی به مشکاتیان بود و من دره‌ای نگران نبودم چون وقتی سنتور در گروه کوک باشد سازهای دیگر هم به سادگی خودشان را تطبیق می‌دهند. گوش مشکاتیان برای موسیقی ساخته شده بود

و فواصل ایرانی در وجودش شکل گرفته بود. وقتی می‌گویم موسیقی مشکاتیان روان و جاری بود در روزگار امروز امری بسیار مهم است. او ملودی‌های بسیار زیبایی می‌ساخت. نوازنده‌ای نبود که فقط ردیف‌نوازی کند و براساس چارچوب‌های از پیش تعیین شده پیش رود. به همین دلیل فکر می‌کنم نگاه او به موسیقی درس خوبی برای جوانان امروز است. جوانانی که فکر می‌کنند خلاقت در وام‌گرفتن از کشورهای همسایه خلاصه می‌شود. وقتی که با ذوق و شوق و ریشه دار و عمیق با موسیقی برخورد می‌کنیم هر چیزی که می‌نوازیم

زین نغمه هیچ گاه فراموشی‌ات نبود

روایت‌هایی درباره پرویز مشکاتیان که امروز ۱۱ سال از درگذشتش می‌گذرد اما نوای سنتورش در ذهن‌ها یادگار مانده است

بالیده است و همواره روح خویش را با آن صقل داده و برای تعهد و وظایف خطیر تاریخی آماده شده است. پیش از اسلام، اصلاً شعر و ادب در خدمت موسیقی بود و نامبرداران فرهنگ ایرانی عمدتاً موسیقی‌دانان بوده‌اند. در دوره‌های اول تکوین ادبیات فارسی دری، موسیقی و شعر دوشادوش هم به اعتلای فرهنگ درخشان سده‌های نخستین اسلامی کمک کرده‌اند. بسیاری از شاعران بزرگ ما مانند رودکی و منوچهری اصلاً موسیقی‌دان بوده‌اند. فردوسی بزرگ هم موسیقی حماسی را اعتلا بخشیده است. امروز هم هسوسی موسیقی و شعر و رسانی که هنر برای ترویج شعر در اذهان عمومی دارد بر کسی پوشیده نیست. کم نیستند کسانی که از طریق نواهای دل‌انگیز استاد شجریان و هنر بی‌همتای استاد مشکاتیان با شعر حافظ خو گرفته‌اند.

- تغییر فضای موسیقی ایران با «بیداد»
- علیرضا نظیف، پژوهشگر حوزه موسیقی که بیش از سه دهه درباره پیوند موسیقی و ادبیات تحقیق کرده نیز در پیام صوتی خود به شرکت‌کنندگان مراسم، از سه جوان نابغه در موسیقی سنتی ایران یاد می‌کند که به عنوان نوازنده و آهنگ‌ساز در دهه ۵۰، درخشیدند.

زنده‌یادان محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان و حسین علیزاده. او می‌گوید: پرویز خان، متولد ۱۳۳۴ بود و از آن دو جوان‌تر. هر سه به دانشکده هنرهای زیبا رفتند و در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران از محضر بهترین اساتید ملی ایران بهره بردند و بعد به نوازندگانی چیره‌دست و آهنگ‌سازی توانمند تبدیل شدند. آن‌ها قبل از سال ۵۷ خورشیدی و زیر نظر هوشنگ ابتهاج گروه جوانان چاووش را تشکیل دادند و باهم همکاری می‌کردند. در مدت کوتاه عمر چاووش ۱۰ اثر رسمی منتشر کردند. پرویز مشکاتیان و حسین علیزاده گروه عارف و محمدرضا لطفی و پشنگ کامکار گروه شیدا را پایه گذاشتند. ۲ گروهی که بعدها با یکدیگر ادغام شدند و بیشترین سهم را در ارتقای موسیقی



همسر هم همان روزها خطاب به برادر مرحومش می‌گفت: گفتی به نیشابور می‌آیی اما نگفتی چطوری می‌آیی. اشرف‌زاده ۸سال هم در تهران و در زمان تحصیل، هم‌خانه پرویز مشکاتیان بوده‌است. او درباره آن روزها هم خاطرات بسیاری دارد: من در پلی‌تکنیک درس می‌خواندم و او در دانشگاه تهران. خانه‌مان هم به وقتی از خانه بیرون می‌رفتم، چند متکا می‌زد تا سرعت دستش زیاد شود، از طرفی صدا هم ایجاد نشود و مزاحمتی ایجاد نکند. من می‌رفتم دانشگاه و ظهر که برمی‌گشتم هنوز هم با مضرابش در حال تمرین بود.

ایرج اشرف‌زاده، داماد این خانواده که محوطه‌سازی مزار مشکاتیان را نیز به عهده داشته، می‌گوید: آخرین بار که پرویز را دیدیم روز عید فطر بود. در تهران او را دیدیم. عروسی پسرم بود. با او و آیین آمده بودند. همانجا به همسرم پروین گفته بود از تهران خسته شده است و می‌خواهد برای ادامه زندگی به نیشابور برگردد.

گفته بود به بنده سپرده در روستای «کلاته برف‌ریز» برایش ملکی بخرم و می‌خواهد، خانه‌ای گلی بسازد و همانجا زندگی کند. دقیقاً ۲۹ روز بعد این حرف، فوت کردند. خانواده‌شان هم اجازه دادند به جای قطعه هنرمندان تهران، در نیشابور به خاک سپرده شوند.

